



انتشارات چهارطاق

# باغ بابر در کابل

مادامه ترزا شفارد پارپا لیولو

مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و دور، مرکز مرمت،

شرایط علمی پژوهش

پژوهش و طرحی برای بررسی امکانات یک مرمت جامع

---

انتشار آثار مربوط به مرمت زیر نظر:

جوزپنه توچی

رئیس مؤسسه ایتالیایی برای خاورمیانه و دور (ایزمنو)

مرکز مطالعه و حفاری باستان‌شناسی در آسیا، مرکز مرمت

ایزمنو - رم ۱۹۷۲

---

ترجمه‌ی حسین سلطان‌زاده

انتشارات چهارطاق

تهران - ۱۳۹۵



انتشارات چهارطاق

مرکز پخش: انتشارات پیام

تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۱۱، تلفن: ۶۶۴۰۹۵۳۱

باغ بابر در کابل  
ترجمه: دکتر حسین سلطانزاده  
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

\* وفج و صفحه آرا: با همکاری ناهید صبائی

\* چاپ و صحافی: ... چاپ اول: ۱۳۹۵ \* شمارگان: ۵۰۰ نسخه

پا: ۸۵۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است و هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل بدون اجازه کتبی مؤلف و ناشر ممنوع است.

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۵۹-۳-۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۵۹-۳-۱

Babur Garden (Kabul, Afghanistan)

سلطانزاده، حسین، ۱۳۳۵ - مترجم

DS۳۷۵ / ۲۲۳۱۳۹۵

[SB۴۸۱/۶]

۹۵۸/۱۰۴۰۲۲۳

۴۲۲۴۵۳۸

عنوان اصلی: Kabul - the Bagh-i Babur 1972

پارک‌ها -- افغانستان -- کابل

Parks -- Afghanistan -- Kabul

باغ‌های اسلامی -- افغانستان -- کابل

Islamic gardens -- Afghanistan -- Kabul

کابل (افغانستان) -- ساختمان‌ها، سازه‌ها و غیره

Kabul (Afghanistan) -- Buildings, structures, etc

پارپالیولو شیرد، ماریا ترزا، ۱۹۰۳ - ۱۹۷۴م

Parpagliolo Shephard, Maria Teresa

باغ بابر در کابل / ماریا ترزا شرفارد، پارپالیولو؛ ترجمه‌ی حسین سلطانزاده

تهران: چهارطاق، ۱۳۹۵

۷۴ ص: مصور.

۸۵۰۰ ریال: 978-600-95659-3-1

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                 | صفحه | عنوان                     |
|------|---------------------------------------|------|---------------------------|
| ۳۲   | دیوارها، میدان‌ها و راه‌ها            | ۵    | مقدمه‌ی مترجم             |
| ۳۳   | زمین‌های بازی و استخر شنا             | ۷    | مقدمه‌ی مؤلف              |
| ۳۳   | کاشت گیاهان                           |      |                           |
| ۳۶   | نتیجه‌گیری                            | ۹    | پیشینه‌ی تاریخی           |
| ۳۷   | یادداشت‌ها                            | ۲۰   | طرح، توصیف و پیشنهادها    |
| ۴۴   | تصاویر کتاب                           | ۲۲   | نهر، آبشارها و حوض‌ها     |
| ۶۵   | پیوست: بخشی از خلاصه‌ی گزارش مرمت باغ | ۲۸   | آب                        |
|      |                                       | ۴۰   | کاخ ملکه، کوشتک و آرامگاه |
|      |                                       | ۳۲   | دروازه‌ی ورودی، کاروانسرا |
|      |                                       | ۳۲   | مخزن بالاتر               |

بعضی از اسناد تاریخی مانند شاهنامه فردوسی، حاکی از این است که پیشینه‌ی تاریخی مزارها ممکن است به دوران پیش از اسلام برسد، اما به هر صورت آشکار است که پیشینه‌ی باغ - مزارها در دوران پس از اسلام، حداقل به دوره‌ی غزنویان می‌رسد. آرامگاه سلطان محمود غزنوی که در یک باغ قرار داده شد را می‌توان یکی از نخستین باغ - مزارها در دوران اسلامی دانست. البته اسناد تاریخی نشان می‌دهند که بسیاری از باغ - مزارها در آغاز به عنوان یک باغ سکونتگاهی یا تشریفاتی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و پس از فوت بانی یا صاحب آن، به مزار او اختصاص می‌یافت و باغ بابر نیز از این گونه بوده است.

اهمیت بررسی این باغ برای ایرانیان در این است که آن در قلمرو سرزمین و فرهنگ ایران بزرگ ساخته شده و از فرهنگ معماری ایران تأثیر پذیرفته بود و آن را می‌توان یکی از آثار ایران بزرگ به‌شمار آورد.

حسین سلطان‌زاده  
دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

باغ‌ها و به‌ویژه باغ‌های سکونتگاهی و تشریفاتی واقع در نواحی گرم و خشک را می‌توان گونه‌ای از فضاهای معماری به‌شمار آورد که یکی از اهداف اساسی طراحی و ساخت آن‌ها، ایجاد فضایی متفاوت از سایر فضاهای معماری و سکونتگاهی بود که محیطی سبز، مطبوع و مطلوب در مقیاس محدود ایجاد آورند و به عبارت دیگر شرایط محیط طبیعی را به صورت زیاده‌ریزی شده و در مقیاس معین و محدود، متفاوت نمایند، در حالی که به‌طور معمول بسیاری از انواع فضاهای معماری به‌ویژه فضاهای سکونتگاهی در انطباق با محیط طبیعی طراحی و ساخته می‌شدند که ساکنان آن بتوانند از مزایا و مواهب محیطی برخوردار شوند تا حد ممکن از معایب و زیان‌های محیطی دور بمانند.

طراحی باغ‌ها را از یک منظر دیگر نیز می‌توان مهم دانست، و آن جنبه‌ی آرمانی بودن فضای آن است، چنان‌که در بعضی از آیین‌ها، فضایی که به نیکوکاران وعده داده شده، به باغ تشبیه شده است، بنابراین، از این جنبه نیز باغ‌ها را می‌توان بازتاب نوعی فضای آرمانی به‌شمار آورد که همواره به عنوان فضایی عالی مورد توجه بوده است.

باغ - مزار را می‌توان نوعی از باغ دانست که شاید از برخی جنبه‌ها، آن را بتوان خواسته‌ی برخی از انسان‌هایی دانست که آرزوی راه یافتن به بهشت را به این‌گونه جلوه‌گر می‌ساختند.

بود که مطالعات خود را که اینک در این کتاب ارائه می‌دهم، شروع کردم.

## وضعیت باغ بابر در اکتبر سال ۱۹۷۰ م / ۱۳۵۹ ه. ش

در نگاه نخست، تحت تأثیر باغ قرار گرفتم، جایی که بابرشاه می‌خواست که پس از مرگ، در آن‌جا دفن شود. وضع باغ نسبت به روزهای نخست آن خیلی دگرگون شده بود و ویژگی‌های اصلی آن در طول زمان حیات آن از دست رفته بود. مقبره‌ی پادشاه و چند فضا و عنصر مرتبط با آن و مسجد شاه‌جهان و چند چنار قدیمی، تنها ویژگی‌ها و عناصر اصیل و قدیمی باقی‌مانده از باغ کهن گورکانی بود.

به نظر می‌رسد که دیوارهای موجود و پله‌های مرتبط با حوض‌های بالاتر و دیوارهای پیرامون باغ به دوره‌های بعدی و جدید تعلق دارند. همین نکته درباره‌ی کوشک و کاخ ملکه می‌توان بیان شود، یعنی درباره‌ی ساختمان‌هایی که به اواخر قرن نوزدهم، رازد هم و آغاز قرن بیستم / سیزدهم تعلق داشتند. هم‌چنین باغ‌ها را به فواره‌ای که در زیر کوشک قرار داشتند، بیش‌تر یادآور مجموعه‌ی باغ‌ها در اروپایی در قرن نوزدهم میلادی بود و چندان با باغ‌سازی راجه در اایل قرن شانزدهم میلادی انطباق نداشت. اما بیش‌ترین و چشم‌گیرترین اثر کمبود آب، در محوطه‌ی متروک و خراب و خشک و بی‌روح بازتاب داشت، در جایی که درختان قدیمی‌تر خشک شده بودند و درختان جدیدتر به سختی به حیات خود ادامه می‌دادند.

باغ بابر اکنون نه تنها به عنوان زیارتگاه بابرشاه، بلکه به صورت یک پارک عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کارکرد دوگانه‌ی این باغ نشان می‌دهد که چرا مقامات افغانستان علاقه‌مند هستند که این محوطه را بازسازی و مرمت کنند. ریرا نه تنها از آن به عنوان یک آرامگاه، بلکه به صورت یک پدیده‌ی دمنده و ارزش افزوده برای توسعه‌ی جمعیت شهر استفاده می‌کنند.

شروع کار مربوط به زمانی است که مسجد شاه‌جهان در سال پیش توسط یک گروه از باستان‌شناسان ایتالیایی با حمایت مؤسسه‌ی شرق دور و میانه (ISMEO) زیر نظر و با ریاست پروفیسور جوزپه توجی مرمت شد. در حقیقت، در اوایل سال ۱۹۷۰ و پس از مرمت موفق مسجد شاه‌جهان، از پروفیسور توجی خواسته شد که اگر او بپذیرد، مسئولیت مرمت و بازسازی کامل محوطه‌ی باغ را بر عهده‌ی وی گذارند.

این اقدام به سبب توصیه‌ی پروفیسور دانجلیس دوسه، معاون ریاست کمیته‌ی بین‌المللی انجمن بناها و محوطه‌های یادمانی ایکوموس (ICOMOS) و مدیر دوره‌های تخصصی مرکز بین‌المللی روم برای مطالعه‌ی حفاظت و احیاء میراث فرهنگی یونسکو بود، که نام من در کنار پروفیسور توجی آورده شد؛ زیرا دو مرتبه از سوی مرکز از من خواسته شد که درباره‌ی مرمت و احیای باغ‌های کهن و تاریخی سخنرانی کنم. این موضوع دلیل و علت حضور من در پاییز سال ۱۹۷۰ م / ۱۳۵۹ ه. ش در کابل

باغی که باقی مانده بود، آن باغی نبود که شاعر دربارهی آن چنین سروده است: «من لاله‌های رنگارنگ آن را تحسین می‌کنم، زیبایی درختان آن مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد. آب با درخشش و خروش از پل مستان جاری می‌شود. امید است که پروردگار این زیبایی را از چشم شیطانی افراد محافظت فرماید.»<sup>(۱)</sup>

اگرچه مقامات اداری افغانستان عکس‌های هوایی خیلی خوبی از محوطه با مقیاس ۱/۲۰۰۰<sup>(۲)</sup> در اختیار من قرار دادند، فکر کردم که ملاحظه‌ی موقعیت عمومی محل، برای بررسی دقیق محوطه و هم‌هی پدیده‌ها و عناصر موجود در آن، موقعیت درختان باقی‌مانده، ساختمان‌ها، فواره‌ها و روضه‌ها، گام نخستین است تا بتوانیم رهنمودها و توصیه‌هایمان را بر بایبایان واقعی و درست استوار کنیم. نقشه‌ی مساحی (نقشه‌ی ۱) برای انجام طرح مطالعه ضروری و مهم است، و تنها نقشه‌ای است که موقعیت وضع موجود در آن بیان شده است.

این باغ در دوران گذشته، در زمان بابر چگونه بود که او آن را از میان چند باغ دیگر، برای اقامت و استراحتگاه خود انتخاب کرد؟ از جنبه‌ی تاریخی چه رویدادهایی در طول سال‌های حیات آن باغ روی داده بود؟

مطالعات تاریخی برای این بررسی، ضروری و لازم است. از این جنبه، من به مقدار زیادی مرهون پروفیسور ماریزو تادی هستم، دانش او دربارهی افغانستان عمیق و گسترده است. کمک‌های او و مشاوره‌ها و توصیه‌های او در طول ماه‌های طولانی تحقیق و تنظیم برنامه و کارهای طرح بازسازی ارزشمند بوده است. از او صمیمانه در این جا سپاس‌گزاری می‌نمایم.

انجام تحقیق با توجه به نبود اسناد و مدارک کافی آسان نبوده است.

بعضی از باغ‌هایی که تاکنون باقی مانده‌اند، مانند باغ نسیملا، از دوره‌ای بعدتر هستند.<sup>(۳)</sup> نگاره‌ها (مینیاتورها) بابر را نشان می‌دهند که بر کاشت و آبیاری یکی از باغ‌های خود نظارت می‌کند. باغ وفا، به سال‌های آخر حکومت اکبر، تقریباً ۷۰ سال بعد از فوت بابر تعلق دارد، و اگرچه از جنبه‌ی هنری، زیباست، اما دشوار است که از طریق نگاره‌ها، همه‌ی جنبه‌های یک باغ را مورد ملاحظه قرار داد، اگرچه آن‌ها دارای جزئیات فراوان دلالت‌کننده‌ای هستند. به همین سبب مجبور بودم که تمام مطالعات تاریخی را بر روی نوشته‌های متن‌های کهن و حتی جدید متکی کنم تا بتوانم به تدریج به یک فرآیند منطقی و متوالی تحولات از دوران بابر تا دوره‌ی معاصر دست یابم و پاسخ‌هایی مناسب برای بسیاری از پرسش‌ها، تردیدها و گمان‌ها بیابم، که برای شناخت وضعیت واقعی محوطه در زمان حاضر سودمند است. اطلاعات موجود دربارهی باغ بابر در دوران ما خیلی ناقص و ناهمگونی است، و بنابراین دشوار است که دگرگونی‌هایی را که تا آغاز قرن حاضر در آن روی داده است، مورد شناسایی قرار داد.

در هنگام جست‌وجو در آثار و منابع دوران گذشته، اهمیت باغ بابر به عنوان یکی از محدود حلقه‌های اتصال امروز ما به سنت طراحی باغ به روشنی نمایان می‌شود، سستی که برای بیش از ۲۵۰۰ سال با وجود جنگ‌ها و ویرانی‌ها، از جهان یونانی - هلنی و فرهنگ اسلامی در هند و دوران پادشاهان گورکانی وجود داشته و به حیات خود ادامه داده است.